

وضعیت عراق از دیدگاه اقتصادی و بازرگانی



عراق از جمله کشورهای خاورمیانه می‌باشد که مسائل آن تحت تأثیر عوامل گوناگونی طی چند دهه اخیر مورد توجه افکار عمومی جهان و دست اندرکاران و پژوهشگران اقتصاد و سیاست بین‌الملل بوده است. در آخرین مرحله از این روند، یعنی از ۱۹۹۰ و متعاقب حمله عراق به کویت، دامنه و عمق این مسئله ابعاد تازه‌ای یافته است. در مقاله حاضر، تلاش بر آن است تا براساس آخرین اخبار و اطلاعات موجود وضعیت اقتصادی و بازرگانی این کشور مورد بحث و بررسی جدیدی قرار گیرد.

مساحت خاک عراق شامل سهمی برابر ۳,۵۲۲ کیلومتر مربع از منطقه بیطرفی می‌باشد که در جنوب غربی عراق بین این کشور و عربستان سعودی مورد توافق قرار گرفته

* دکتر فریدون برکشلی معاون پژوهشی مرکز مطالعات بین‌المللی انرژی وابسته به وزارت نفت است.

است. عراق از شمال به ترکیه، از شرق به جمهوری اسلامی ایران، از جنوب به کویت و خلیج فارس، از جنوب غربی به عربستان سعودی و اردن و از شمال غربی به سوریه محدود شده است. این کشور به طور کامل در احاطه خشکی بوده، بندرهای معدود آن در راه آبی اروندرود در جنوب قرار دارد. از مشخصه های بارز جغرافیایی عراق، صرف نظر از دره های دو قله، رودخانه های دجله و فرات، کشیدگی و امتداد رشته کوه زاگرس از شرق به شمال غرب آن است. در غرب این رودخانه، افق عراق به آرامی در فلات صحرای یهناوری محو می شود که تا عمق سوریه، اردن و عربستان سعودی گسترش یافته است. در مسیر جریان روبه جنوب دو رودخانه بزرگ از ترکیه، هیچ کانال معین و مشخص یا دره محافظی تا جنوب بغداد وجود ندارد و در عوض، این دو رود جریان پریپیچ و خمی را در سطح هموار جنوب قبل از به هم پیوستن و تشکیل اروندرود، طی می کنند. طغیان رودخانه ها، مشکل همه ساله این ناحیه است که بر کیفیت زمینهای کشاورزی و خطوط ارتباطی تأثیر می گذارد. حمل و نقل به وسیله قایق در طول مسافت جنوبی این رود امکان پذیر است، اما در شمال بغداد قایقرانی برخلاف مسیر آب تقریباً غیرممکن است. ساخت یک راه آبی بزرگ که در واقع رودخانه سومی بین بغداد و خلیج فارس است، در ۱۹۹۲ به اتمام رسید.

منابع و ذخایر طبیعی

منابع عمده زیرزمینی عراق شامل ذخایر هیدروکربنی و عمدتاً نفت خام است که در نواحی شمال کرکوک و به میزان کمتری در موصل و مناطق جنوبی بصره که در حال حاضر فعالیتهای اکتشافی زیادی در آن در جریان می باشد، قرار دارد. ذخایر اثبات شده رسمی نفت خام عراق ۱۱۰ میلیارد بشکه است که از این لحاظ عراق را پس از عربستان سعودی دومین قدرت اوپک معرفی می کند. ولی ارزیابی های مستقل که مربوط به قبل از ۱۹۸۵ و جنگ سهمیه ها بین کشورهای عضو اوپک برای کسب سهم بیشتر از بازار می باشد، میزان ذخایر واقعی عراق را ۶۷ میلیارد بشکه نشان می دهد. عراق از ابتدای بهره برداری نفت تا ۱۹۹۴ در کل ۲۲٫۳ میلیارد بشکه از ذخایر خود برداشت کرده است. میدانهای گازی مستقل و گازهای

همراه نیز در عراق زیاد است. میزان ذخایر گازی این کشور حدود ۱۱۰ تریلیون فوت مکعب برآورد شده است. این کشور از نظر سایر منابع معدنی فقیر بوده، منابع زیرزمینی به نسبت مهم آن سنگهای فسفات و سولفور است

جمعیت و مؤلفه انسانی

بانک جهانی در نیمه دوم ۱۹۹۲، جمعیت عراق را ۱۹٫۳ میلیون نفر تخمین زد. براساس سرشماری رسمی نفوس از سوی دولت عراق، جمعیت این کشور در اکتبر ۱۹۸۷، ۱۶٫۳ میلیون نفر اعلام شد که مقایسه ارقام مذکور حاکی از نرخ رشدی معادل ۳٫۴ درصد است. روند سریع توسعه شهرنشینی و تمرکز جمعیت در محور بغداد - بصره، در شهری که بیش از یک سوم کل جمعیت عراق را در خود جای داده است، از مشخصه های جمعیتی عراق طی دهه های ۶۰ و ۷۰ می باشد. در پی جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۱)، بار دیگر مهاجرت دسته جمعی از مناطق روستایی به شهرها آغاز شد. نیروی کار بومی به نسبت کوچک عراق که در ۱۹۸۸ حدود یک چهارم جمعیت این کشور را تشکیل می داد، عراق را به یک وارد کننده نیروی کار تبدیل ساخته است. نیروی کار وارداتی که بیشتر عرب هستند، عمدتاً در بخشهای ساختمان سازی و کشاورزی به کار اشتغال دارند. در طول جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران (۱۹۸۸ - ۱۹۸۰) و در پی تقاضا برای نیروی نظامی، تعداد کارگران خارجی در آن کشور به حدود ۲ میلیون نفر رسید. اما پس از آتش بس، این رقم به یک میلیون نفر کاهش یافت؛ بقیه نیز متعاقب شروع بحران خلیج فارس (اوت ۱۹۹۰) خاک این کشور را ترک کردند. تا قبل از بحران مذکور، بخش کشاورزی ۳۵ درصد، خدمات در همین حدود، ساختمان سازی ۱۷ درصد و صنعت ۱۲ درصد از نیروی کار عراق را بخود اختصاص داده بودند. صنعت نفت تنها ۲ درصد از نیروی کار این کشور را در خدمت دارد.

نظام و سیاستهای اقتصادی

اقتصاد عراق بشدت متمرکز است. بخشی از این تمرکزگرایی نتیجه سیاستهای

آگاهانه دولت و بخشی نیز ناشی از وضعیت خاص این کشور است. از هنگام انقراض حکومت سلطنتی در ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۲ از بخش خصوصی داخلی یا سرمایه‌گذاری خارجی حمایت اندکی به عمل آمده بود. ملی کردن بانکها در ۱۹۶۴ و صنعت نفت در ۱۹۷۲، زمینه کنترل و تسلط همه‌جانبه دولت بر منابع مهم اقتصادی را فراهم ساخت؛ زیرا نظام بانکی منابع مالی و داخلی و درآمد حاصل از نفت و سایر منابع انرژی را در اختیار دولت قرار می‌داد. از ۱۹۷۲ تا زمان جنگ عراق علیه ایران، امتیازات و اختیارات بهره‌برداری از معادن (غیر از منابع هیدروکربوری)، بخشهای کشاورزی، ساختمان‌سازی و صنایع سبک و کوچک به طور مقطعی و در سطوح محدود و کم اهمیت به بخش خصوصی واگذار شده بود، در حالی که در سطح جهانی، این کشور تلاش فراوانی برای جلب پیمانکاران خارجی به عمل آورد. بزودی نتایج حاصل از موفقیت عراق در ملی کردن صنعت نفت، این کشور را قادر ساخت تا نفت خود را عمدتاً از نظام فروش تهاثری به فروش در مقابل ارز تبدیل کند و به واردات انواع کالاهای مصرفی بپردازد. به طور کلی تا ۱۹۹۰، بخش خصوصی حدود ۳۰ درصد از تولید ناخالص ملی عراق را بخود اختصاص داده بود. لازم به توضیح است که عراق در جلب سرمایه‌های خارجی هرگز کشور موفق نبوده است.

با افزایش درآمدهای نفتی و سرازیر شدن آن به خزانه دولت، همانند اغلب کشورهای نفت خیز تک محصولی، وظیفه توزیع درآمد ملی و تشویق و حمایت از برنامه‌های توسعه اقتصادی در اختیار دولت قرار گرفت. از اوایل دهه ۵۰، ضرورت تدوین برنامه‌های توسعه مطرح شد، ولی اولین برنامه مدون عمرانی تا قبل از ۱۹۶۵ به اجرا در نیامد. سه برنامه عمرانی دیگر به ترتیب طی ۱۹۷۵-۱۹۷۰، ۱۹۸۰-۱۹۷۶ و ۱۹۸۵-۱۹۸۱ به مرحله اجرا درآمد و طرحهای عمرانی عقب مانده از برنامه ۱۹۸۵-۱۹۸۱ در چارچوب برنامه بازسازی جنگ ۱۹۸۸-۱۹۸۰ قرار گرفت. ولی مزیقه‌های مالی ناشی از کاهش قیمت نفت، تکمیل بسیاری از طرحها را عملاً غیرممکن ساخت. از همین رو، برخی از تحلیل‌گران، حمله عراق به کویت را تلاشی برای کسب درآمد بیشتر برای اجرا و تکمیل طرحهای بزرگ اقتصادی ذکر می‌کنند. تا پایان دهه ۷۰، بخش خصوصی سهم اندکی از

درآمد دولتی را در اختیار داشت، ولی با آغاز جنگ علیه ایران، همان دوران کوتاه رونق بخش خصوصی نیز به طور ناگهانی متوقف شد و دولت تحت عنوان نیاز به فداکاری هرچه بیشتر جامعه، درآمدهای خود را مصروف توسعه ماشین جنگی از یکسو و صنعت نفت از سوی دیگر کرد. وامهای سنگین خارجی نیز عمدتاً در همین دو مسیر جریان یافت.

بین ۱۹۸۸ و ۱۹۹۰، دولت بار دیگر از بخش خصوصی حمایت بیشتری کرد. به طور همزمان، اصلاحاتی نیز به منظور ارتقای کارایی بخشهای دولتی به اجرا درآمد. این تغییر سیاست از آن رو بود که ماشین دولتی عملاً به دستگاهی پیچیده و فاقد کارایی تبدیل شده بود. از طرف دیگر، دولت عراق مایل بود تا حد امکان اقتصاد خود را با تحولات بین‌المللی مبتنی بر مقررات زدایی و خصوصی سازی منطبق سازد. این اصلاحات در مجموع شامل خصوصی سازی گسترده در بخش کشاورزی و نیز صنایع سبک و خدمات حمل و نقل شد. همچنین لغو انحصار دولت در واردات کالا، لغویا تعدیل بسیاری از قوانین و مقررات مربوط به نظام متمرکز توزیع کالاهای مصرفی و وضع یک قانون جدید جلب سرمایه گذاری خارجی که انگیزه بیشتری را برای سرمایه گذاران عرب-مادامی که سرمایه گذاری خارجی غیر عرب رسماً ممنوع بود- در عراق ایجاد می کرد، شامل می شد. با وجود این، دولت عراق با صراحت اعلام کرد که همچنان کلیه صنایع نظامی، استراتژیک و نیز صنایع بزرگ (شامل نفت و گاز) را در اختیار خواهد داشت و از انحصار در بخشهای ذکر شده حمایت کرده و به قانون منع مالکیت خصوصی داخلی یا خارجی بر منابع طبیعی خود کاملاً پای بند خواهد بود.

پس از جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۱)، دولت عراق، به رغم تحریم همه جانبه از سوی آمریکا و سازمان ملل متحد، برخی از خرابی‌ها و خسارات ناشی از جنگ را بازسازی کرد و در عین حال با توجه به شرایط دشواری‌هایی که از بابت تأمین و توزیع مواد غذایی و احتیاجات مردم با آن مواجه بود، بار دیگر چندین عرصه اقتصادی را که پس از آتش بس ۱۹۸۸ آزاد ساخته بود، بار دیگر ملی اعلام کرد. با وجود این، دولت در ۱۹۹۳ تلاش نچندان موفقی را جهت واگذاری تعداد زیادی از صنایع سبک، شامل صنایع غذایی، آغاز کرد.

ساختار اقتصادی و نفتی

عراق نیز مانند بسیاری از کشورهای خاورمیانه، از مزیت‌های نسبی خود استفاده نمی‌کند. در ۱۹۹۰، صنعت نفت به تنهایی ۵۵ درصد تولید ناخالص داخلی را بخود اختصاص داده بود. پس از نفت، به ترتیب، بخش ساختمان سازی با بیش از ۱۰ درصد، بخش تولید کالاهای صنعتی مصرفی حدود ۸ درصد و بخش کشاورزی، به رغم سهم قابل ملاحظه‌ای که از نظر نیروی کار داراست، کمتر از ۵ درصد را در اختیار داشتند. این ساختار اقتصادی حکایت از آن دارد که اقتصاد عراق سخت به واردات کالا وابسته است و اقتصاد ملی نمی‌تواند مستقل از اقتصاد بین‌المللی فعال باشد. این بدان معناست که اقتصاد عراق با اقتصاد جهانی از طریق صادرات نفت و واردات کالا پیوند می‌یابد.

در دهه ۷۰ و در پی عزم عراق برای مقابله با شرکتهای بین‌المللی نفتی و صاحبان امتیازات اولیه، تولید نفت این کشور از ۱٫۵۵ میلیون بشکه در روز با رشد سریعی به سطح ۳٫۴ میلیون بشکه در روز (۱۹۷۹) رسید. در طول این مدت، صادرات نفت از طریق ترمینالهای نفتی جنوب بصره و فاویا به وسیله خط لوله از طریق سوریه، لبنان و ترکیه به مدیترانه صورت می‌گرفت. خط لوله استراتژیک شمال-جنوب که در ۱۹۷۵ احداث شد، کارایی محدودی را در عرصه صادرات پدید آورده بود. لذا عراق عملاً توانست مقدار زیادی نفت از طریق بندرهای جنوبی خود صادر کند، ولی صادرات به مدیترانه به لحاظ ظرفیت محدود خطوط لوله با مشکلاتی مواجه بود. شرایط جنگی در ۱۹۸۱ باعث شد که همه راهها، بجز خط لوله ترانزیت از ترکیه، بسته شود و به همین علت تولید عراق به ۰٫۹ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. طی دهه ۸۰، دولت عراق تدابیری اتخاذ کرد تا ظرفیت صادراتی خود را با توسعه خط لوله ترکیه، حمل نفت و فرآورده‌های نفتی به وسیله کامیون به بندر عقبه در اردن و احداث خط لوله‌ای برای اتصال جنوب این کشور به خط لوله سراسری شبه جزیره عربستان در ینسوع در دریای سرخ افزایش دهد. احداث این خطوط عراق را در ۱۹۸۸ قادر ساخت تولید خود را به سقف ۲٫۷۵ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. طی آخرین بحران خلیج فارس و در خاتمه جنگ نفت، کلیه مسیرهای صادراتی عراق (به استثنای عرضه محدودی که

به وسیله کامیون به اردن صورت می‌گیرد) بسته شدند.

استفاده از گاز عراق به عنوان خوراک در صنایع پایین دستی، از سوی وزارت صنایع که مسئولیت اجرای طرح‌های سولفور و فسفات طبیعی را نیز عهده‌دار بود، انجام می‌گرفت. فعالیت‌های عراق در زمینه صنایع پتروشیمی پس از آتش‌بس ۱۹۸۸ از سر گرفته شد. تا ۱۹۹۰ تنها یک مجتمع پتروشیمی راه‌اندازی شده بود و طی ۱۹۹۱-۱۹۹۰ کار بر روی ساختمان نیمی دیگر از مجتمع به طور پراکنده ادامه یافت. دولت عراق در ۱۹۹۴ ادعا کرد که با استفاده از تکنولوژی داخلی فاز اول مجتمع پتروشیمی را راه‌اندازی کرده است. به‌طور هم‌زمان، یک شرکت مستقل عربی به نام «شرکت پاک‌کننده‌ها و محصولات شیمیایی عربی» نیز در عراق فعالیت می‌کرد. عراق، بجز صنایع فرآورش مواد معدنی، صنایع آهن و فولاد، مصالح ساختمانی، مواد غذایی، نساجی و نیز صنایع دارویی و مونتاژ کامیون و تراکتور را توسعه داده است. در طول جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، بسیاری از طرح‌های صنعتی در منطقه صنعتی بصره و خور الذبیر به اجرا درآمدند. پس از جنگ دوم خلیج فارس، کمیسیون برنامه ریزی صنعتی به منظور تغییر و تبدیل صنایع و تأسیسات نظامی به صنایع غیرنظامی مانند تجهیزات حمل و نقل، کشاورزی، لوازم برقی و الکترونیک و نظایر آن تشکیل شد. در همین راستا، صنایع و فعالیت‌های ساختمان‌سازی، به‌رغم محدودیت‌های شدید مالی، رشد به نسبت خوبی پیدا کرد. پیمانکارانی نیز از کشورهای کره جنوبی، هند، برزیل، پاکستان و فیلیپین دعوت شدند. هم‌اکنون، طرح مهم تکمیل رودخانه سوم عراق به طول ۵۶۵ کیلومتر نیز در شرف اتمام است. با آغاز به کار این طرح عراق حدود ۳ میلیون هکتار از اراضی بایر جنوب این کشور را به زیر کشت خواهد برد.

پیش از ۱۹۹۱ به‌رغم جنگ طولانی وضع مالی عراق به لحاظ درآمد نفت و کمک‌های خارجی خوب بود، بودجه عراق به سه قسمت تقسیم شده بود: بودجه هزینه‌های جاری، بودجه هزینه‌های عمرانی و بودجه هزینه‌های سازمان‌های دولتی. بدین ترتیب، در مجموع با اختلاف اندکی بین هزینه‌ها و درآمدهای دولت تعادلی برقرار بود. بودجه هزینه‌های جاری، با وجود رقم هنگفت هزینه‌های عمرانی، صرفاً به درآمدهای نفتی وابسته بود. در عراق، از

۱۹۸۴ به بعد هیچگونه راهنمای بودجه سالانه یا تراز رسمی بانک مرکزی منتشر نشده است. ولی در هر صورت، واضح است که قطع درآمدهای نفتی قبل از هر چیز بر بودجه هزینه‌های عمرانی و توسعه تأثیر منفی برجای گذاشته است. طی نیمه دوم دهه ۷۰، با توجه به افزایش فوق‌العاده درآمدهای حاصل از صدور نفت از یکسو و نظارت شدید دولت بر واردات از سوی دیگر، دولت عراق به تراز پرداختهای مطلوبی دست پیدا کرد. از ۱۹۸۱، عراق بتدریج با مشکل کسری تراز پرداختها مواجه شد. دولت عراق ابتدا شروع به برداشت از ذخایر ارزی خود نزد بانکها و مؤسسات پولی و مالی بین‌المللی کرد و پس از آن، به اخذ وام و کمک مالی از مؤسسات مالی جهانی و دول حامی خود پرداخت. براساس برآوردهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)، در ۱۹۹۲، عراق ۱۹ میلیارد دلار بیش از حدی که در توافقات مدون و رسمی با سازمان ملل متعهد به پرداخت شده بود، بدهی داشت. علاوه بر آن، عراق تعهدات مالی بسیار سنگینی به دولتهای عرب داشت که از آن جمله می‌توان از تعهدات مالی به عربستان سعودی و کویت تحت عنوان «اعانه جنگی» که این کشورها طی ۱۹۸۸-۱۹۸۳ با فروش نفت خود از جانب عراق به این کشور کمک می‌کردند، نام برد. دولت عراق در ۱۹۹۱ کل بدهی خود در پایان ۱۹۹۰ را ۴۲٫۱۱ میلیارد دلار اعلام کرد؛ این رقم اصل و فرع بدهی‌های فعلی و عقب افتاده به کشورهای عرب خلیج فارس را شامل نمی‌شد.

روند توسعه عراق طی ۱۹۹۴-۱۹۹۳

با توجه به تداوم تحریمهای آمریکا و سازمان ملل متحد، عملاً هیچ نشانه‌ای از سرمایه‌گذاری و پیشرفت اقتصادی در عراق دیده نمی‌شود. درحالی که تولید محصولات کشاورزی و دامی در سطح به نسبت پایینی قرار دارد و با توجه به اجازه واردات محدود اقلام ضروری غذایی، اعمال نظام جیره بندی از سوی دولت بسیار پرهزینه است. ارزش برابری دینار در مقابل دلار تا اواسط ۱۹۹۴ به ۵۰۰ دینار عراقی رسید؛ و این درحالی بود که در اوایل همان سال ارزش برابری دینار در مقابل دلار ۲۰۰ دینار بود. درحالی که آمار دولت عراق نرخ تورم را پایین نشان می‌دهد، برآورد سازمانهای به نسبت مستقل نظیر بانک توسعه عرب، نرخ

تورم را در ۱۹۹۴ تا ۴۰۰ درصد برآورد کرده اند. در اوایل ۱۹۹۴، به بانکهای دولتی اجازه داده شد که به خرید و فروش ارز بر پایه قیمت‌های بازار آزاد پردازند. دولت برای اولین بار طی چندین سال بهای فرآورده‌های نفتی را افزایش داد و بودجه ۱۹۹۴ را ۲۵ درصد پایین‌تر از ۱۹۹۳ اعلام کرد. اگرچه دولت سعی دارد که با تقویت بازار بورس در بغداد در روند خصوصی سازی تحرکی ایجاد کند، ولی موفقیت اندک است. احتمالاً پس از لغو تحریم، در صورتی که دولت همین سیاست را ارائه دهد، امکان موفقیت زیاد خواهد بود.

به تازگی، دولت سعی کرده تا روابط خود را با شرکتهای پیمانکاران خارجی تجدید کند. همچنین می‌کوشد تا آنها را نسبت به آینده عراق، پس از تحریم، امیدوار سازد. بیشترین موفقیت تاکنون از آن بخش نفت بوده است. شرکتهای نفتی جهت توسعه میدانهای نهر عمر و مجنون قراردادهایی را امضا کرده اند. دولت عراق میزان ذخایر نفتی منطقه جنوب عراق را حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیارد بشکه اعلام کرده، هزینه بهره برداری از آنها را حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار برآورد می‌کند. شرایط سخت اقتصادی این کشور باعث خواهد شد که عراق به نظام تسهیم تولید (Production Sharing) تن در دهد که این امر ضربه مهلکی بر نظم نفتی منطقه خلیج فارس وارد خواهد ساخت — که احتمالاً یکی از هدفهای جنگ نفت محسوب می‌شود. دولت عراق مدعی است که با توسعه میدانهای جنوبی تا سال ۲۰۰۰ تولید خود را به سطح ۶ میلیون بشکه در روز خواهد رساند. البته، عراق برای سالهای دراز مدت متعهد به پرداخت ۳۰ درصد از کل عایدات نفتی خود به سازمان ملل متحد برای جبران غرامتهای جنگی است.

تجارت عراق با کشورهای صنعتی

تا قبل از اشغال کویت از سوی عراق، کشورهای آمریکا، آلمان و ژاپن به ترتیب بزرگترین شریکان تجاری و اقتصادی عراق بودند. در ۱۹۹۰، صادرات عراق به آمریکا به ۲,۹۵۲ میلیون دلار رسید. این رقم حدود دو برابر صادرات عراق به آمریکا در ۱۹۸۸ (۱,۴۵۴) میلیون دلار) بود. واردات عراق از آمریکا نیز کاملاً قابل ملاحظه است. واردات این کشور از آمریکا

برای ۱۹۸۸، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ به ترتیب بالغ بر ۱،۲۶۰، ۱،۲۹۱ و ۷۰۴ میلیون دلار بود. دومین بازار مهم صادراتی عراق، ژاپن بود. صادرات عراق به ژاپن طی ۱۹۸۸، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ به ترتیب ۷۵۴، ۱،۰۹۶ و ۸۱۲ میلیون دلار بود. از طرف دیگر، طی همین دوره واردات عراق از آلمان به ترتیب بالغ بر ۹۷۲، ۱،۲۸۶ و ۸۷۶ میلیون دلار شد. صادرات عراق به دیگر کشورهای صنعتی بدین ترتیب بود: فرانسه ۷۶۰ میلیون دلار (۱۹۸۹)، ایتالیا ۶۱۳ میلیون دلار (۱۹۸۹)، هلند ۷۵۶ میلیون دلار (۱۹۹۰)، اسپانیا ۵۹۷ میلیون دلار (۱۹۸۸). روند واردات عراق از کشورهای صنعتی نیز عبارت بود از: انگلستان ۸،۵ میلیون دلار (۱۹۸۹) و ۵۵۳ میلیون دلار (۱۹۹۰)، فرانسه ۵۷۲ میلیون دلار (۱۹۹۰)، ایتالیا ۴۰۹ میلیون دلار (۱۹۸۹) و سوئیس ۲۰۶ میلیون دلار (۱۹۸۹).

تجارت عراق با کشورهای در حال توسعه

از بین کشورهای در حال توسعه، مراکش بزرگترین بازار برای صادرات عراق محسوب می شود. طی ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، صادرات عراق به کشور به ترتیب بالغ بر ۲۴۲، ۲۱۴، ۳۵۰ و ۱۷۳ میلیون دلار بود. طی همین دوره عراق به ترتیب ۱۹، ۳۲، ۵۲ و ۵۵ میلیون دلار از تونس کالا وارد کرد. در بین کشورهای در حال توسعه آسیا، هندوستان بزرگترین بازار کالاهای صادراتی عراق بود. طی ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، عراق به ترتیب ۳۶۵، ۳۸۴، ۱۶۶ و ۳۶۳ میلیون دلار به هند صادرات داشت که این ارقام از لحاظ تجارت بین کشورهای در حال توسعه قابل ملاحظه است. اندونزی با ۲۷۲ و ۱۵۳ میلیون دلار در ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ دومین و چین با ۶۶ و ۶۵ میلیون دلار در ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ سومین بازار صادراتی عراق بودند. توجه به این نکته جالب است که طی دو سال مذکور، تایوان با ۷۹ و ۳۰ میلیون دلار چهارمین و تایلند با ۳۶ و ۵۴ میلیون دلار پنجمین بازارهای صادراتی عراق را تشکیل می دادند.

عراق در بین کشورهای در حال توسعه آسیایی در ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ از اندونزی به ترتیب ۱۱۳ و ۹۲ میلیون دلار واردات داشت. طی همین سالها هندوستان ۶۵ و ۵۶ میلیون دلار،

چین ۷۳ و ۳۶ میلیون دلار و مالزی ۶۲ و ۵۳ میلیون دلار به عراق صادرات داشتند. ترکیه نیز در بین کشورهای در حال توسعه اروپایی مهم ترین شریک تجاری عراق بود. کل صادرات عراق به ترکیه طی ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، به ترتیب ۱،۰۴۹، ۱،۳۱۰، ۱،۵۰۰ و ۹۱۵ میلیون دلار بود. در همین حال، واردات عراق از ترکیه ۱،۰۴۱، ۱،۰۸۵، ۴۹۰ و ۲۳۶ میلیون دلار بود که کاهش قابل ملاحظه ای را نشان می دهد.

لازم به توضیح است که به دنبال تحریم سازمان ملل متحد، ترکیه بخش عمده نیازهای وارداتی عراق را تأمین کرده است. ترکیه ۱۵۳ میلیون دلار در ۱۹۹۱، ۲۳۳ میلیون دلار در ۱۹۹۲ و ۱۷۶ میلیون دلار در ۱۹۹۳ به عراق صادرات داشته است. در اروپا، کشورهای یوگسلاوی، رومانی و لهستان به ترتیب عمده ترین بازارهای صادراتی عراق بوده اند. به عنوان مثال، بالاترین رقم صادرات عراق به میزان ۶۱۱ میلیون دلار در ۱۹۸۸ به یوگسلاوی بود. رومانی به میزان ۴۰۲ میلیون دلار در ۱۹۸۷ و لهستان به میزان ۱۴۷ میلیون دلار در ۱۹۸۹ از عراق واردات داشته است. واردات عراق از یوگسلاوی در ۱۹۸۸، به میزان ۳۸۷ میلیون دلار، از رومانی به میزان ۵۳۳ میلیون دلار و از لهستان در ۱۹۸۹ به میزان ۶۹ میلیون دلار بود. چک و اسلواک نیز یکی از شریکان مهم عراق بوده است.

در منطقه خاورمیانه، اردن همواره یکی از مهم ترین بازارهای کالاهای صادراتی عراق محسوب می شده است. در واقع، حتی پس از برقراری تحریم سازمان ملل متحد علیه عراق، اردن هنوز یک بازار و بلکه تنها بازار کالاهای عراقی تلقی می شود. طی ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، عراق به ترتیب ۲۷۰، ۲۹۰، ۳۳۹ و ۳۷۴ میلیون دلار کالا به اردن صادر کرد. پس از تحریم طی ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ صادرات عراق به اردن به میزان ۲۵۱ و ۳۹۵ میلیون دلار گزارش شده است. کشورهای کویت و امارات متحده عربی به ترتیب دومین و سومین بازار صادراتی عراق در منطقه خاورمیانه بودند. به عنوان مثال، عراق در ۱۹۸۸ به میزان ۱۳۶ میلیون دلار به کویت و در ۱۹۸۹ به میزان ۴۳ میلیون دلار به امارات متحده عربی صادرات داشت.

پیش از اشغال کویت و آغاز جنگ در خلیج فارس، کویت در منطقه خاورمیانه یکی از

صادرکنندگان عمده کالا به عراق محسوب می‌شد. واردات عراق از کویت طی ۱۹۸۸، ۱۹۸۹، ۱۹۹۰ به ترتیب ۳۲۸ و ۴۲۶ و ۲۷۴ میلیون دلار بود. در همین حال، عراق برای اردن نیز یک بازار مناسب محسوب می‌شد. صادرات اردن به عراق برای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ نیز به ترتیب به میزان ۲۳۳ و ۱۹۶ میلیون دلار ثبت شده است. واردات کالا از اردن پس از برقراری تحریم سازمان ملل متحد ۱۴۵ میلیون دلار (۱۹۹۱) و ۱۱۳ میلیون دلار (۱۹۹۲) بود.

در منطقه آمریکای جنوبی، برزیل بزرگترین بازار صادراتی عراق بود. جمع صادرات عراق به برزیل طی ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، به ترتیب ۱،۴۹۰، ۱،۲۳۵، ۱،۵۳۸، ۱،۰۳۰ میلیون دلار بود. طی همین دوره واردات عراق از برزیل به ترتیب ۳۳۶، ۳۲۷، ۳۳۷ و ۱۲۲ میلیون دلار بود. در جدول شماره یک سهم مناطق مختلف جهان در ترکیب واردات و صادرات عراق براساس گزارشهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی ارائه شده است.

لازم به توضیح است که در هر تحقیق مربوط به آینده روند تجارت خارجی عراق، شرایط و الگوی تحقیق عمدتاً برپایه چارچوب روابط عراق با دیگر کشورها و مناطق جهان، براساس روابط پیش از برقراری تحریم سازمان ملل متحد، استوار خواهد بود. البته، ماهیت جو حاکم بر روابط سیاسی برخی از کشورها، بخصوص آمریکا و انگلستان، تأثیرات خود را بر الگوی تجارت خارجی عراق بر جای خواهد گذاشت. لازم به ذکر است که عراق پس از تحریم سازمان ملل متحد، ۱۹ میلیون دلار در ۱۹۹۳ و ۱۱ میلیون دلار در سه ماهه اول ۱۹۹۴ از استرالیا واردات داشت. همچنین کشورهای آلمان، هلند، سوئیس و انگلستان نیز ارقامی کم و بیش در سطح فوق با عراق مبادله کردند. پاکستان، چین و ترکیه نیز مقادیر اندکی با عراق مبادلات داشتند.

در ادامه بحث، به طور خلاصه موقعیت عراق و روابط آن با طرفهای عمده تجاری خویش طی دوره قبل از تحریم بررسی می‌شود. در ۱۹۹۰، آمریکا ۲۸٫۵ درصد، برزیل ۹٫۹ درصد، ترکیه ۹٫۸ درصد، ژاپن ۷٫۸ درصد، هلند ۷٫۴ درصد، اسپانیا ۴٫۶ درصد، فرانسه ۳٫۵ درصد و ایتالیا ۳٫۰ درصد از صادرات عراق را بخود اختصاص داده بودند. ارقام مربوط به واردات

عراق در ۱۹۹۰ بدین قرار است. از آلمان ۱۳٫۳ درصد، از آمریکا ۱۰٫۷ درصد، از ترکیه ۹٫۲ درصد، از فرانسه ۸٫۷ درصد، انگلستان ۸٫۴ درصد، از ژاپن ۴٫۵ درصد، ایتالیا ۴٫۵ درصد و از برزیل ۳٫۱ درصد.

در سه جدولی که به دنبال خواهد آمد روند تجارت ۵ کشور اصلی منطقه (عراق، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی و جمهوری اسلامی ایران) از هریک از مناطق عمده اقتصادی جهان، یعنی جامعه اروپا و کشورهای آمریکا و ژاپن به منظور مقایسه آمده است.

آنچه در اینجا شایان ذکر است اینکه پس از لغو تحریم سازمان ملل متحد از عراق، این کشور بار دیگر بتدریج متوجه بازارها و شریکان تجاری سنتی خود خواهد شد. احتمالاً این مورد بلافاصله پس از لغو تحریم تحقق نخواهد یافت، ولی علی القاعده بازگشت عراق به شرایط قبل از تحریم به طور طبیعی تابع چنین روندی خواهد بود. البته، چنانکه اشاره کردیم، برخی ملاحظات سیاسی می تواند تأثیرات قابل توجهی بر این روند بگذارد.

حل و فصل کلیه مسائل بین عراق و جمهوری اسلامی ایران می تواند این دو کشور را در شرایط عادی به شریکان تجاری یکدیگر تبدیل کند. چنانچه در عراق وضعیتی حاکم شود که دولت دست از ماجراجویی بردارد، با احتمال مشارکت آتی عراق در سازمان اکو، این کشور ممکن است جابه جایی هایی را در شریکان تجاری منطقه ای یا جهان سومی خود تجربه کند که الزاماً تحقق آن مستلزم عزم و حمایت جمهوری اسلامی ایران از این مورد خواهد بود. چنین پیش بینی هایی در صورت تحقق، اهمیت نفت و انرژی را در سازمان اکو به نحوی تقویت خواهد کرد که تعداد قابل ملاحظه ای از کشورهای در حال توسعه و مهم تولید کننده و مصرف کننده نفت و گاز را در میان اعضای خود خواهد دید که یک بلوک اقتصادی، تجاری و نفتی به نسبت موفق تری را نوید خواهد داد.

به طوری که جدولهای موجود نشان می دهد، تجارت خارجی عراق تا ۱۹۹۰ از روند کلی ۴ کشور مهم دیگر منطقه خلیج فارس تبعیت کرده است. بخش اعظم واردات و صادرات متوجه کشورهای صنعتی بوده و کشورهای در حال توسعه سهم اندکی در واردات و صادرات

این کشور داشته‌اند. این بدان معناست که کشورهای در حال توسعه در نوع خود فاقد ادغام‌پذیری اقتصادی با یکدیگرند و به عکس ترکیب‌پذیری اقتصاد آنها بیشتر از کشورهای صنعتی است. در هر صورت، پس از ۱۹۹۰، در حالی که کشورهای عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی و جمهوری اسلامی ایران کماکان روند تجارت خارجی خود را ادامه داده‌اند، ارقام مربوط به واردات و صادرات عراق کاهش یافته و در مورد کشورهای آمریکا و ژاپن به صفر میل کرده است.

از طرف دیگر، چنانکه در جدول شماره یک مشاهده می‌کنیم، سهم عراق در صادرات و واردات کشورهای در حال توسعه پس از شروع تحریم، حتی افزایش نیز پیدا کرده است و از ۴۶ درصد در ۱۹۸۷ به ۶۷ درصد در ۱۹۹۲ (در مورد صادرات) و از ۳۲٫۹ درصد در ۱۹۸۹ به ۶۳٫۵ درصد در ۱۹۹۲ افزایش پیدا کرد. البته، درصد سهم عراق در صادرات و واردات کشورهای جهان سوم در سال ۱۹۹۲ بسرعت کاهش یافته است. از بین کشورهای در حال توسعه، خاورمیانه از ۱۹۸۷ به طور مرتب بر سهم خود در تجارت خارجی عراق افزوده است. در ۱۹۹۳، کشورهای صنعتی سهم خود را در تجارت خارجی عراق افزایش داده‌اند و در نتیجه از سهم سایر مناطق کاسته شده است. کل آسیا نیز در ۱۹۹۳ سهم خود را در واردات عراق بهبود بخشیده است.

اقتصاد عراق در بازگشت به بازار جهانی نفت بسرعت به یک واردکننده مهم انواع محصولات صنعتی و کشاورزی تبدیل خواهد شد. چنانچه روند سنتی تجارت خارجی آن کشور تداوم یابد، باز دیگر در مسیر ادغام در اقتصاد کشورهای صنعتی قرار خواهد گرفت؛ اما اگر چشم‌انداز مثبتی از لحاظ روابط اقتصادی با کشورهای در حال توسعه منطقه ایجاد شود، سازمان اگو جایگاه مناسبی برای تقویت ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای خواهد بود.

در حال حاضر، چشم‌انداز اقتصادی عراق مأیوس‌کننده است. هر اندازه خاتمه تحریمهای آمریکا و سازمان ملل متحد به تأخیر افتد، صنایع و زیرساخت اقتصادی این کشور بیش از پیش روبرو زوال گذاشته و این کشور را بیش از پیش در فرایند بعدی در معرض تأثیرپذیری بیشتری از قدرتهای خارجی قرار خواهد داد. زمانی که تحریمها لغو شوند، عراق

ترمیم و توسعه صنعت نفت را در تقدم قرار خواهد داد؛ زیرا این صنعت مهم ترین منبع تأمین درآمد برای توسعه سایر بخشها محسوب می شود. یک عراق ضعیف از یکسو جهت گریز از خطر یک تحریم یا محدودیت تازه و از سوی دیگر در راستای تولید و فروش هر چه بیشتر نفت، نظم فعلی در منطقه را با مخاطره مواجه خواهد ساخت. برخلاف برخی نظرات سطحی مطروحه، نفت امروز بیش از هر زمان دیگر کالایی سیاسی و استراتژیک است. جنگ سرد سیاسی و ایدئولوژیک پایان پذیرفته، ولی جنگ سرد اقتصادی در شرف وقوع بوده و نفت محور این جنگ سرد جدید اقتصادی است.

موفقیت احتمالی آمریکا در صحنه اقتصاد جهانی مدیون «نفتا» یا حضور فعال در سازمان تجارت جهانی نخواهد بود، بلکه هر گونه موفقیتی در صحنه اقتصاد جهان طی سالهای آتی بر محور میزان و چگونگی تسلط این کشور بر منابع نفتی خلیج فارس است. نظم نو اقتصاد جهانی، نظم نو نفتی را می طلبد که در آن کشورهای صاحب ذخایر نفتی از دامنه تسلط ملی محدودی بر ذخایر خود برخوردار باشند. بنابراین، باید کوشید تا عراق یا هریک از دول خاورمیانه را از فروافتادن در چرخه یک نظم (نو) نفتی واپسگرایانه بر حذر داشت. در همین راستا، تلاش در جهت ایجاد ترتیبات منطقه ای یا جذب عراق در سازمان اکومی تواند مفید و مؤثر باشد. پس از خاتمه تحریم، عراق تلاش خود را برای خصوصی سازی، مقررات زدایی و شالوده زدایی از اقتصاد ناتوان خود با جدیت آغاز خواهد کرد، ولی چنانچه این تلاش به نحوی سازمان یابد که به سازمان اوپک و هدفهای آن در بلندمدت لطمه وارد کند، خلیج فارس با دور تازه ای از واپسگرایی مواجه خواهد شد. به عبارت دیگر، خطر لغو تحریم اقتصادی - نفتی از عراق، تنها متوجه مشکلات عرضه مازاد در بازار در کوتاه مدت نیست، بلکه خطر اصلی و نگرانی جدی متوجه تمایل جاهلانه نظام حاکم بر عراق در افزایش سطح تولید خود به هر قیمتی است. چنانچه دولت عراق، آن طور که طی سالهای اخیر به طور رسمی یا نیمه رسمی اعلام داشته، بخواهد به قراردادهای تسهییم تولید با شرکتهای خارجی تن در دهد، نظام نفتی موجود در خاورمیانه را که طی سالها تلاش و مبارزه به دست آمده، دچار مخاطره می سازد. این امر به هیچ وجه به سود هیچ یک از کشورهای منطقه نخواهد بود و

به واقع، خطر اصلی و ضربه مهلکی را که احتمالاً دولت عراق می‌تواند به همسایگان خود و سازمان اوپک وارد سازد باید از همین دیدگاه مورد بررسی قرار داد.

جدول یک - سهم عراق در صادرات و واردات مناطق اقتصادی جهان
(۱۹۸۷ - ۱۹۹۳)

(درصد)									
۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷			
۸۸/۷	۳۳/۰	۲۲/۷	۶۱/۳	۵۵/۷	۵۲/۰	۵۳/۲	صادرات	کشورهای صنعتی	
۷۷/۶	۳۶/۵	۲۷/۲	۶۸/۷	۶۶/۶	۶۰/۵	۵۱/۸	واردات		
۱۱/۳	۶۷/۰	۵۷/۳	۳۸/۶	۲۲/۰	۲۷/۹	۲۶/۰	صادرات	کشورهای در حال توسعه	
۲۲/۷	۶۳/۵	۷۲/۸	۳۱/۳	۳۲/۹	۳۸/۳	۲۶/۲	واردات		
-	-	۰/۲	۲/۲	۳/۲	۲/۲	۲/۵	صادرات	آفریقا	
۳/۰	۰/۱	۰/۲	۱/۶	۱/۱	۰/۶	۰/۳	واردات		
۳/۱	۰/۲	۳/۰	۷/۳	۵/۲	۲/۲	۲/۱	صادرات	آسیا	
۱۶/۵	۷/۲	۳/۲	۵/۸	۲/۲	۳/۲	۳/۲	واردات		
۰/۶	۰/۲	۰/۱	۱۲/۳	۱۷/۹	۲۲/۲	۱۹/۸	صادرات	اروپا	
۰/۲	۳۸/۰	۳۳/۰	۸/۹	۱۲/۰	۲۲/۷	۳۰/۳	واردات		
۳/۹	۶۶/۲	۵۳/۶	۲/۷	۲/۲	۵/۲	۲/۳	صادرات	خاورمیانه	
-	۱۸/۱	۳۵/۷	۱۲/۶	۱۱/۲	۷/۸	۷/۹	واردات		
۲/۷	-	۰/۳	۱۰/۱	۱۳/۱	۱۳/۵	۱۵/۲	صادرات	آمریکای لاتین	
۱/۸	-	۰/۳	۲/۳	۲/۲	۳/۹	۲/۶	واردات		

منبع: آمار صندوق بین‌المللی پول و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه.

جدول شماره ۲- تجارت خارجی عراق (صادرات بدون نفت) (ارقام به میلیون دلار)

۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	
۶ ماهه اول							
۷۰/۵	۱۶۲	۵۹۵	۳۶۸	۱۰/۳۸۰	۱۲/۲۸۰	۹/۶۸۷	صادرات
۳۱	۳۶۸	۶۲۱	۳۱۸	۶/۵۲۰	۹/۹۸۰	۹/۳۴۷	واردات

منبع: آمار سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD).

جدول شماره ۳- تجارت خارجی کشورهای عراق، عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی و جمهوری اسلامی ایران با جامعه اروپا (صادرات بدون نفت)

(ارقام به میلیون دلار)

۱۹۹۳	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹		
۳	۳	۲۲۷	۳۰۲	صادرات	عراق
۱۱	۶	۲۱۰	۲۸۱	واردات	
۱۰۳۱	۱۱۳۳	۸۵۲	۶۰۳	صادرات	عربستان سعودی
۱۰۵۷	۱۰۱۴	۷۹۸	۸۰۰	واردات	
۷۳	۲۲	۱۸۸	۲۴۲	صادرات	کویت
۱۷۵	۷۳	۱۰۸	۱۵۳	واردات	
۱۵۵	۱۸۲	۱۷۷	۱۳۵	صادرات	امارات متحده عربی
۴۶۴	۳۸۲	۳۵۶	۲۷۱	واردات	
۶۱۳	۶۶۸	۶۵۰	۵۲۷	صادرات	جمهوری اسلامی ایران
۸۵۵	۷۶۹	۵۳۷	۲۹۳	واردات	

منبع: آمار صندوق بین المللی پول.

جدول شماره ۲ - تجارَت خارجی کشورهای عراق، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی و جمهوری اسلامی ایران با آمریکا (صادرات پلئون نفت) (ارقام به میلیون دلار)

۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹		
-	-	۰/۵	۲۵۱/۲	۲۰۰/۷	صادرات	عراق
۰/۳	-	-	۶۱/۰	۹۷/۸	واردات	
۶۲۲/۵	۸۶۳/۹	۹۱۴/۹	۸۳۱/۲	۵۹۸/۳	صادرات	عربستان سعودی
۵۵۵/۵	۵۹۶/۹	۵۲۷/۷	۳۳۶/۲	۲۹۸/۰	واردات	
۱۵۱/۶	۲۳/۲	۳/۰	۴۷/۵	۸۱/۲	صادرات	کویت
۸۳/۱	۱۱۰/۶	۱۰۲/۴	۳۳/۴	۷۱/۲	واردات	
۶۰/۶	۶۷/۷	۵۹/۵	۷۴/۰	۵۷/۱	صادرات	امارات متحده عربی
۱۵۰/۹	۱۲۹/۴	۱۲۱/۳	۸۳/۲	۱۰۳/۳	واردات	
-	۰/۱	۱۹/۲	۰/۶	۰/۷	صادرات	جمهوری اسلامی ایران
۵۱/۳	۶۲/۳	۴۳/۹	۱۳/۹	۵/۰	واردات	

منبع: صندوق بین‌المللی پول و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه.

جدول ۵ - تجارَت خارجی کشورهای عراق، عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، جمهوری اسلامی ایران یا ژاپن (صادرات پلئون نفت) (ارقام به میلیون دلار)

۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹		
-	۰/۱	-	۷۵/۹	۱۰۱/۲	صادرات	عراق
۰/۱	-	-	۲۰/۹	۴۰/۹	واردات	
۷۳۹/۹	۸۴۹/۲	۸۴۰/۲	۸۷۳/۵	۵۸۷/۳	صادرات	عربستان سعودی
۳۴۰/۶	۴۰۳/۴	۳۲۴/۸	۲۷۸/۵	۲۳۰/۳	واردات	
۸۰/۸	۶۳/۸	۳/۸	۱۴۲/۶	۱۹۴/۹	صادرات	کویت
۷۴۵/۹	۸۱۱/۹	۳۶/۳	۳۴/۹	۵۵/۹	واردات	
۷۳۹/۹	۸۱۱/۹	۸۷۵/۲	۷۵۶/۵	۵۰۴/۳	صادرات	امارات متحده عربی
۲۱۱/۲	۲۲۷/۴	۱۷۹/۷	۱۲۹/۲	۱۰۸/۰	واردات	
	۲۱۷/۰	۲۳۲/۷	۲۸۸/۴	۱۴۹/۴	صادرات	جمهوری اسلامی ایران
	۲۲۰/۸	۲۰۶/۱	۱۳۴/۸	۷۶/۹	واردات	

منبع: صندوق بین‌المللی پول و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه.

منابع:

1. Fadhil Al-Chalabi, *Middle East Economic Survey*, 22, Aug. 1994.
2. *Iraq's Return to the Oil Market: A Study Conducted by International Bureau for Energy Studies*, London: 1994.
3. Albert Hourani, "How Should We Write the History of the Middle East," *IJMS*, May 1991.
۴. شکل‌گیری نظم‌نویین جهانی، برنامه آمریکا برای خاورمیانه پس از جنگ خلیج فارس، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، فرودین ۱۳۷۳.
۵. فریدون برکشلی، وضعیت صنعت نفت عراق، (پیامدهای بازگشت این کشور به بازار نفت)، فصلنامه خاورمیانه، پاییز ۱۳۷۴.

